



# فاجعه ملی

## صدها تن از زندانیان توده‌ای و دیگر نیروهای انقلابی و مخالف رژیم بفرمان خمینی تیرباران شدند



نامۀ مردم  
از گمان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۳۶ دوره هشتم سال پنجم  
سه شنبه ۱۳۶۷/۹/۱۵ بها ۲۰ ریال

### حزب توده ایران خود را در این سوگ بزرگ شریک غم و همدرد بازماندگان شهیدان خون خفته خلق می‌داند

## اولامیه گمیته مرکزی حزب توده ایران کشتار جمعی زندانیان سیاسی: یک فاجعه ملی

هم میهنان گرامی!

خبرهای تازه‌ای که درباره کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سیاهچالهای جمهوری اسلامی در سراسر کشور و بویژه در تهران دریافت کرده‌ایم، حاکی از وقوع پیوستن یک فاجعه ملی است. این فاجعه مصیبت بار ابعادی بسیار وسیع، هولناک و تکان دهنده دارد. حرف بر سر کشتار صدها تن از کادرها و اعضای برجسته حزب توده ایران و دیگر سازمانها و نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه مخالف رژیم است. بایک دنیا دریغ و درد باید گفت که پس از "خانه تکانی" خونبار رژیم در دخمه‌های دوزخی خود، خلق ایران و جنبش انقلابی میهن ما جمعی از آگاه‌ترین، آزموده‌ترین و فداکارترین فرزندان خود را از دست داده است.

تبهکاریهای اخیر رژیم خودکامه خمینی بویژه فاقد هرگونه پشتوانه قانونی، حقوقی، مدنی، اخلاقی و انسانی و بیادآور اقدامات جنون آمیز فاشیستهای هیتلری در اردوگاههای مرگ است. انسانهایی توسط رژیم و ارگانهای سرکوبگرش به جوخه‌های آتش سپرده شده‌اند که گناهی جز عشق به مردم، دشمنی با امپریالیسم و ارتجاع و پیکار در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح نداشته‌اند. ما می‌پرسیم آیا پرونده متهمان که به شیوه رایج در جمهوری اسلامی از راه بکارگیری وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی سرهمبندی شده است تمام مراحل قانونی خود را طی کرده بود؟ این فرزندان خلق در کجا، به چه جرمی و بر اساس کدام قانون

محاکمه شده‌اند؟ مسأله در کجا صورت گرفت و بر پایه کدام دلائل و مدارک واقعی "جرم" به اثبات رسید؟ آیا متهمان همانند نه جوامع متمدنی که قانون بر آنها فرمانروایی می‌کند، بلکه حتی کشورهایی که رژیم‌های نژادپرست شبیه آفریقای جنوبی بر آنها حاکم هستند، اجازه انتخاب وکیل مدافع داشتند؟ وکیل مدافع آنها چه کسی بوده و نامش چیست و اینک کجاست؟ آیا متهمان اجازه حتی دفاعی دفاع از خود را یافته‌اند؟ متن دفاعیه آنها کجاست؟

درباره آن گروه از زندانیان توده‌ای که بیش از شش سال پیش به جرم‌های واهی و غیر قابل اثبات بطور غیر قانونی بازداشت و زندانی شده‌اند، و حال اعدام گردیده‌اند، می‌پرسیم مگر سردمداران و مقامات قضائی رژیم بارها و بارها وعده تشکیل دادگاه علنی را نداده بودند؟ از جمله مگر دادستان کل وقت جمهوری اسلامی، در روز ۲۸ اردیبهشت ۶۲ اعلام نداشت که، "در آینده نزدیک محاکمه اعضای... حزب توده (ایران)... صورت خواهد گرفت و ماسعی داریم که کلیه مسامحات علنی انجام گیرد". آن "مسامحات علنی" کلیه اعضا چه شد؟ چرا کسانی که حتی در دادگاه‌های در بسته "شرع" محکوم به زندانهای ده سال و پانزده سال و بیست سال شده بودند و رسماً در رسانه‌های گروهی رژیم اعلام شده بود، یکبار به جوخه‌های اعدام سپرده شدند و علاوه بر اینها چرا اسامی قربانیان و علل دستگیری و دلایل مجرمیت آنان از رسانه‌های گروهی اعلام نمی‌شود تا

## ما راه پرافتخار شهیدان توده‌ای را ادامه خواهیم داد!



## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، کلیه هواداران و دوستان حزب در خارج از کشور را فرامی خواند تا بمنظور اعتراض بیکپارچه و سراسری علیه فاجعه کشتار جمعی اسیران دربند خلق ایران، روز شنبه ۱۰ دسامبر ۱۹۸۸ (۱۹ آذرماه ۶۷) در هر کشوری که مستعد برای جلب همبستگی افکار عمومی جهانبا با زندانیان سیاسی ایران دست به تحصن، تظاهرات و

افکار عمومی در جریان قرار گیرد؟ فاجعه آفرینی های اخیر رژیم خونریز و خونخوار خمینی ریشه در علل و انگیزه های گوناگونی دارد. پیروزی خلق و از جمله نیروهای انقلابی و دمکراتیک در راه پایان دادن به جنگ که در پیامد ژرفش بحران اقتصادی - اجتماعی، شکستهای فزاینده بار نظامی و سیاسی - ایدئولوژیک و ناخشنودی گسترده و بی سابقه توده های مردم از رژیم، به تاخیر شدن حاکمیت از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و گردن نهادن به آتش بس و نشستن بر سر میز گفتگو انجامید، یکی از علل اصلی کشتار وسیع زندانیان سیاسی است. چرا که اتخاذ موضع جدید در واقع به معنای پذیرش شکست مقتضای نقشه های بلندپروازانه و سیاست توسعه جویانه و تجاوزکارانه خمینی و پیروان جنگ طلب و سینه چاکش بود. پذیرش قطعنامه برای خمینی بزرگترین شکست و مرگ سیاسی محسوب می شد. به همین دلیل بود که وی تلخی شکست خود را چون نوشیدن جام زهر توصیف کرد. دقیقاً در چنین هنگامه ای، خمینی دستور کشتار جمعی زندانیان سیاسی را صادر کرد تا آتش خشم حیوانی خود را فرو نشاند. حال به یک مفهوم، کشتار زندانیان سیاسی از جمله و بویژه توده ایهای دربند برای خونخواهی از نیروهای صالح خواه و آزادی دوست صورت گرفت. خمینی و یاران شکست خورده اش با این جنایات هولناک می خواهند شادی و امید و روح مبارزه جویی بخاطر ایجاد چشم انداز زندگی صلح آمیز و سعادت بار را از مردم بربایند و تخم هر اس و ناامیدی و سوگ را در بین خلق بیافشاند.

### بازماندگان شهیدان به خون خفته خلق

کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضا و هواداران حزب ما خود را در این سوگ بزرگ شریک غم و همدرد شمامی دانند. مادر این شرایط دشوار، با الهام از زندگی سراسر رزم و رنج و خاطره پاک این پیکارگران شهید بار دیگر پیمان خود را برای ادامه راه پر افتخار آنان و مبارزه در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح تجدید می کنیم.

### نیروهای انقلابی و دمکراتیک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب در طی یکسال گذشته بارها و بارها درباره تدارک کشتار جمعی توده ایها و دیگر مبارزان دربند هشدار دادند و از همه آزادیخواهان و احزاب و سازمانهای مترقی و آزادیخواه خواستند تا با اقدام متحد و بیکپارچه خود نگذارند توطئه خونینی که در شرف تکوین بود تحقق یابد. امروز با کمال تأسف باید بگوئیم از جمله عدم دستیابی به زبان مشترک و اتحاد عمل محصول خونینی در بر ابر ما گذارده است. تفرقه و پراکنده کاری در مبارزه در راه آزادیهای دمکراتیک و در مرکز آن آزادی زندانیان سیاسی جز به سود حکام و اسپرگرای جمهوری اسلامی نیست و دست آنها را برای ریختن خونهای تازه باز می گذارد. با توجه به این واقعیات، ما بار دیگر همه نیروهای انقلابی و مترقی را به اتحاد عمل در مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی فرامی خوانیم.

### رفقا اعضا و هواداران هسته های حزبی

خون رفقای ما و دیگر عزیزان خلق در راه مقدس بیکپاربخاطر سعادت توده ها بر زمین ریخته است و صدها پدر یا همسر و یافرزند را از کانون

هموار کردن راه خونین اجرای "استراتژی نزدیکی به غرب" و تلاش برای جلب پشتیبانی امپریالیستها و انحصارات فراملی و نیز فراهم آوردن پیش زمینه های "ضرور" برای باصطلاح "آزادی فعالیت احزاب و جمعیت های سیاسی" و "عفو عمومی" از طریق نابودی جسمانی زندانیان سیاسی، تا حد ممکن، از دیگر علل و عوامل اصلی تباهیهای اخیر رژیم است.

# جنایات رژیم "ولایت فقیه" یادآور اقدامات جنون آمیز فاشیستهای هیتلری در اردوگاه های مرگ است

## احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی انسان دوستان

کمیته مرکزی حزب توده ایران از شما می طلبد بانگ اعتراض خود را علیه این اقدامات تباهی کننده رژیم جمهوری اسلامی رسا و سانسازید و در راه نجات جان دیگر زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنید. ما خواهان اعزام یک هیئت از حقوقدانان و پزشکان بی طرف بین المللی برای بازدید از زندانهای ایران و بررسی وضع زندانیان سیاسی بطور کلی و هیئتی برای بررسی ابعاد فاجعه کشتار جمعی اخیر بطور مشخص هستیم. از این خواست عادلانه و برحق ما به هر طریق ممکن پشتیبانی به عمل آورید. با بررسی و افشای همه جانبه این جنایات بزرگ حکام جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی مردم ایران و جهان باید جلوی تکرار چنین فجایعی رانه تنها در ایران، بلکه در هر گوشه دیگر زمین گرفت. باید مردم ایران و جهان چهره زشت جنایت پیشگانی را که دست به چنین اعمال کثیف و خونباری می آید بشناسند. باید داغ ننگ و نفرت پر پیشانی سران مرتجع جمهوری اسلامی زده شود.

خانواده ها مربوطه است.

اینک، با سوگند دوباره به خون پاک شهیدان، با قلبی سرشار از کینه نسبت به دشمن و عشق بی پایان به خلق باید درفش مبارزه را بالاتر و بالاتر برد. نباید دشمن از سرمایه معنوی عظیمی که از خلق به یغما برده است احساس آرامش کند.

اینک باید خانواده های داغدار با احساس همدردی و همبستگی همه جانبه معنوی و مادی ما و زحمتکشان ایمانشان را به حقانیت راهی که عزیزانشان رفته اند صدچندان سازند و با استواری غمهایشان را به سرود مقاومت تبدیل کنند.

گرامی بساد خاطره پاک همه شهیدان خلق

مرگ بر رژیم خونریز "ولایت فقیه" !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۶۷/۹/۱۹

## رفقا دوستان حزب

در مامها و بویژه در هفته های اخیر قافله تازه ای از فرزندان خلق که در صفوف حزب توده ایران در راه بهروزی و شکبختی توده های رنج می رزمیدند، بدست دژخیمان خونریز رژیم به خاک و خون در فلطیبدند. بدینوسله حزب ما از شما می طلبد که هر اطلاع با خاطره ای از زندگی شکوهمند این رفقای شهید - خواه زندگی فردی با اجتماعی، خواه از سالیهای

زندان و خواه سالیهای پویندگی در بهرون از زندان - درآید برای ما ارسال درآید. بزرگداشت روح و راه بزرگ این رفقا وظیفه بس سنگینی در برابر تک تک همزمانشان می گذارد. زندگی سراسر رنج و کار و پیکار و پایداری هر شهید راه خلق می تواند باب دنیایی از آموزش را به روی انسانها باز کند. خواهشمندیم اطلاعات خود و از جمله عکس رفقای شهید را به آدرس "نامه مردم" ارسال درآید.



## تاکنون خبر اعدام این رفقا را دریافت کرده ایم:

## ★ مهدی حسنی پاك

از مسئولان کمیته ایالتی تهران

## ★ محمد رضارجالی فر

عضو حزب توده ایران

## ★ ساسان قندی

عضو حزب توده ایران

## ★ گل علی آتیک

عضو حزب توده ایران

## ★ حسن جلالی

کارگر توده ای، عضو هیات مدیره انجمن همبستگی سندیکاها و اتحادیه های کارگری تهران و حومه

## ★ محمد رجائی مند

عضو حزب توده ایران

## ★ دکتر سیف الله غیاثوند

عضو حزب توده ایران

## ★ دکتر جعفر جاوید فر

عضو حزب توده ایران

## ★ تیمور راوندی

از افسران توده ای

## ★ صابر ظفر حیدری

از افسران توده ای

## ★ شفیق حسین پور

از افسران توده ای

## ★ داوود قریشی

از افسران توده ای

## ★ رحیم شمسی

از افسران توده ای

## ★ ابوالقاسم افرائی

از افسران توده ای

## ★ محسن بیدگلکی

از افسران توده ای

## ★ بهمن قنبری

از افسران توده ای

## ★ حسن صراف پور

از افسران توده ای

## ★ منوچهر بهزادی

عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران صاحب امتیاز «نامه مردم»

## ★ اسماعیل ذوالقدر

عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران مسئول شعبه امور مالی

## ★ عباس حجری بجستانی

دبیر و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران مسئول سازمان ایالتی تهران

## ★ فرج الله میزانی (جوانشیر)

دبیر و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران مسئول تشکیلات کل

## ★ دکتر حسین جودت

عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ رفعت محمدزاده (اخگر)

عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ دکتر احمد دانش شریعت پناهی

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ صابر محمدزاده

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ آصف رزم دیده

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ هدایت الله حاتمی

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ فریبرز صالحی

عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ حسین قلمبر

عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

## ★ مهرداد فرجاد آزاد

کادر برجسته احزاب توده ایران

## ★ عزت الله زارع

کادر برجسته احزاب توده ایران

## ★ اصغر محبوب

کادر برجسته احزاب توده ایران

## ★ اکبر خطیب

عضو احزاب توده ایران

## بارور شو درخت آزادی!

بارور شو درخت آزادی!  
دریغا فرزندان ما  
که بر فرش خون می گذرند

کل بردها و خنجر بر پهلو  
با خلق سخن می گویند  
پاران ما

کرده اند و گفته اند حکم های قبلی مسخره بوده است. در مورد بعضی ها، حکم اعدام فوراً اجرا شده است، وصیت نامه آن یکی را طبق معمول خط خطی کرده اند، و آن دیگری، و آن دیگری، و آن... خودکامکان آدمکش را یارای اعتراف به جنایت های خود نیست. تنها گورهای جمعی بی نام و نشانی در بیابانهای دور افتاده، مگر که خاک دهان بکشاید...

نه، دیگر نیاز به واژه نیست، واژگان نمی توانند ژرفای فاجعه را باز گویند. باید با گوشت و خون لمس کرد. باید در متن جنون زنانی که شوهران به خون غلتیده شان را در نومییدی بی پایان خویش فریاد می زنند، عمق فاجعه را دریافت. باید در گونه تکیده خردسالانی حقیقت را کاوید که سایه نوازشگر پدر را بر سر خود حس نمی کنند. و نمی دانند چرا؟

دریغا همسران که باز نمی گردند  
دریغا مادران

که پشت شیشه های گرد گرفته  
به گذرگاه بی عابر می نگرند

این سیل خون، بنیان آدمکشان بی آرم را باید برافکند، باید درخت آزادی از این خون ها بارور شود!

روایت درد از هر زبانی و از هر جای این خاک به خون شخم خورده به گونه ای است، اما درنمایه همه روایت ها یکی است: سرزمین دردمند ما سوگوار پرورمندترین فرزندان خویش است، سوگوار و آنان که نام خود را بر دیوار شکنجه گاه های دو رژیم حک کردند، سوگوار و حجری ها، ذوالقدرها، دانش ها، این پیشگامان، این زمستان شکنان و بهار آوران.

دریغا بهاری که در خون نشست

دریغا نهالی که داس در پیکرش نهادند

خبرها گوناگون است: اینان راکشته اند و آنان چشم انتظارند که همین روزها به سراغشان بیایند. به خانواده آن رفیق مغز خیر نداده اند، اما اعدام آن دیگری تأیید شده است. لباس های این یک را به همسرش داده اند و همسر دیگری را به "کمپته" فراخوانده اند. خانواده ها بطور جمعی به مسئولان زندان ها مراجعه می کنند تا ببینند چه بر سر عزیزانشان آمده، بیرونشان می اندازند، اما می گویند تا جواب ندهید نمی رویم. تا بحال به ده خانواده توده ای خبر مرگ عزیزانشان را داده اند. این کابوس همچنان ادامه دارد. در گوهردشت یک سری محاکمات تازه سرهم بندی

## اعدام گروهی از روحانیون، فرماندهان سپاه و نمایندگان مجلس

را ادامه می دهند و از سوی دیگر با اعدام ها و افزایش موج دستگیری نیروهای "خودی" می کوشند تا آنان را به کرش و تسلیم وادار سازند. رژیم که در جریان مقابله با مهدی هاشمی و همراهانش خود را با یک نیروی تا اندازه ای سازمان یافته و متشکل روبرو می دید، می کوشد تا راه هر نوع تشکل و سازمان یافتگی را در میان ادامه دهندگان جریان یاد شده سد سازد. این است که برای ایجاد هراس در میان آنان از دست زدن به هیچ جنایتی خودداری نمی کند.

حزب توده\* ایران، همواره خطاب به نیروهای سیاسی مذهبی دارای نظرات مترقی هشدار می داد که پس از حزب توده\* ایران و دیگر احزاب و سازمانهای مترقی خاکریز بعدی آنها هستند. تجربه نشان داد که پیش بینی مادرست بوده است. امروزه در سیاهچاله های رژیم از نیروهای برشمرده کم نیستند و نیز بسیاری کسانی که هر لحظه خطر دستگیری و رفتن زیر شکنجه آنان را تهدید می کنند. از دو حال خارج نیست. یا این نیروها باید سکوت کنند و دم بر نیاورند، در این صورت از هدفهای خود دست شسته اند و منفعل خواهند شد. در غیر اینصورت، یعنی در صورتی که هنوز به هدفهای انسانی پایبند باشند و بخواهند در راه دستیابی به آنها مبارزه کنند، ناچارند که تردید را کنار بگذارند، صف خود را از خائنان به منافع خلق در حاکمیت جمهوری اسلامی، جدا کنند و در برابرشان قرار بگیرند. این مبارزه زمانی موثر خواهد بود که این نیروها جای واقعی خود را در جبهه\* آزادی و صلح، در صف اپوزیسیون نیرومند طرفدار سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" بیابند.

شدگان حتی برخی نمایندگان مجلس نیز وجود دارند که جرم یکی از آنان گویا "سو\* قصد" به جان رئیس مجلس شورای اسلامی است.

خمینی و پیروانش بر "وحدت" جناحهای گوناگون بسیار تکیه می کنند و چنین جلوه می دهند که اختلافهای گروهی برای مقابله با "خطر بزرگتر" قابل حل است. اما این دستگیری ها و اعدام هانشان می دهد که لااقل در سطوح زیرین و پیرامون حاکمیت اختلافها و درگیریها جز با از سر راه برداشتن "مزاحم"، گر چه "مسلمان" و معتقد به حکومت اسلامی، حل شدنی نیست، یعنی همان سیاستی که در مورد احزاب و سازمانهای "دگراندیش" اعمال شد. علت هم معلوم است. بسیاری از اشخاص که با هدف دستیابی به عدالت اجتماعی به خمینی و پیروانش دل خوش ساخته بودند، دریافته اند که از رژیم "ولایت فقیه" کاری ساخته نیست؛ این "امامزاده" نه تنها شفا نمی دهد، بلکه کور هم می کند. اینان می بینند، توده های زحمتکش که بیشترین قربانیان را، بویژه در نتیجه\* سیاست ادامه\* جنگ رژیم داده اند، امروز دستشان از همه چیز کوتاه است و در مقابل آنان غارتگران اجتماعی به "برکت جنگ" به شروت های افسانه ای دست یافته اند، اهرمهای قدرت اقتصادی را در دست گرفته اند و طرفداران سازش با آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی روز بروز گامهای بزرگتری به پیش بر می دارند. همین دلایل کافی است که این اشخاص از حاکمیت کنده شوند. روز بروز بر کمیت این نومیدان دل کنده از "ولایت فقیه" افزوده می شود. خمینی و پیروانش نیز در برابر این روند از سوئی با تلاش مذبوحانه در راه ایجاد "وحدت"، فریبکاری های همیشگی شان

در میان صدها نفر زندانی سیاسی که در ماههای اخیر تیرباران و یاجاق آویز شده اند، نام گروهی از روحانیون، فرماندهان سپاه و برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی (در دوره های پیشین) نیز دیده می شود. برخی از خبرگزاریها و روزنامه های جهان تعداد کشته شدگان در هفته های اخیر را ابتدا ۱۲ و سپس ۱۸ تن اعلام کردند، اخیراً نیز ۲ تن بر تعدادشان افزودند. از جمله از دو نماینده\* مجلس به نامهای فتح الله امید نجف آبادی و علی نقی خاوری لنگرودی نام برده شده است که اعدام شده اند.

حزب توده\* ایران بنا به مواضع اصولی خود این اعدامها و اعمال جنایتکارانه را محکوم می کند. این اعدامها که به پرونده\* مهدی هاشمی و همراهانش مربوط می شود، زنگ خطری است برای طیف وسیعی از نیروهای درون و بویژه پیرامون حاکمیت که به زعم دستگامهای "اطلاعاتی و امنیتی" رژیم پا را فراتر از "حد" خود نهاده اند.

پس از افشا\* روایا پنهانی نیروهای معینی از حاکمیت ج.ا. با امپریالیسم آمریکا توسط جریان مهدی هاشمی، که به شکلی سازمان یافته عمل می کرد، تلفیقی از نیروهای معمم و مکلا در نهاد های گوناگون به دام دستگامهای سرکوبگر افتادند. از اینان، گروهی پس از زمانی کوتاه و گروه دیگر در هفته های اخیر اعدام شدند؛ بخش مهمی نیز به زندانهای دراز مدت محکوم گردیدند. اینک، پس از پذیرش قطعنامه\* ۵۹۸ از جانب حاکمیت ج.ا.، روند دستگیری بخش دیگری از روحانیون و غیر روحانیون مخالف سیاست رژیم "ولایت فقیه" در موارد گوناگون آغاز شده است. در میان دستگیر



## ترور دکتر کاظم سامی، جنایت خائنانه تازه رژیم "ولایت فقیه"

هفته گذشته، دکتر کاظم سامی، رهبر سازمان "جاما" و وزیر بهداشتی کابینه\* مهندس مهدی بازرگان، به دنبال یک توطئه\* خائنانه، با ضربات چاقوی یک تروریست، در مطب خود از پای درآمد. ما این جنایت فجیع را محکوم می‌کنیم.

ظاهراً قرار بر این بوده است که سازمان دهندگان ترور، در صورت موفقیت، آن را بصورت تسویه حساب یکی از بیماران دکتر سامی (که متخصص بیماریهای اعصاب و روان بود) با او نامود سازند، ولی این روزها توسل به آدمکشی‌های خائنانه برای مرعوب کردن مخالفان رژیم و مردم چنان دامنه\* گسترده‌ای پیدا کرده که دیگر تلاش برای انحراف نظر مردم از عاملان واقعی به جاهای دیگر سوزی ندارد.

رژیم میرنده\* "ولایت فقیه" که چشم انداز تیره و تاری را در برابر خود می‌بیند، حتی پیش از شکست مفتضحانه‌اش در جنگ\* حفظ و ادامه\* موجودیت خود را، تنها با تکیه بر ایجاد وحشت عمومی در جامعه می‌دید، به همین سبب نیز خمینی و دستیارانش سیاست تشدید آدمکشی و خفقان را پیش گرفتند.

تا دیروز که عده\* نسبتاً زیادی از مردم هنوز به وعده‌های خمینی مبنی بر حمایت از "کوچ

نشینان" و "مستضعفان" باور داشتند، "ولی فقیه" فقط به قلع و قمع نیروهای مترقی بسنده می‌کرد، اما امروز که همان اکثریت حقیقت تلخ را می‌دانند و با حمایت نیروهای مترقی می‌کوشند حساب خود را از حساب رژیم جنگ و جهل و جنون و جنایت جدا کنند، خمینی دیوانه و اوردردد ناپود کردن دشمنان حاکمیت مطلقه\* "ولایت فقیه" است.

هنگامیکه خمینی درمانده و نومید از آینده، در "منشور بر ادبی" دستور می‌دهد هرگونه انحراف از آئین "فقاہتی" او را با "شمیر اسلام" راست کنند، در واقع فرمان می‌دهد که حاکمیت مطلقه\* تازیانه و شکنجه و آدمکشی دزدانه، برقرار گردد.

رژیم جنایتکاری که در سالهای پایانی سده\* بیستم، در عصر الکترونیک و سفرهای کیهانی، با بریدن مطلق از علم و فرهنگ و تمدن انسانی و تکیه بر جنون و جنایت و جنگ، دیگر حرفی برای گفتن ندارد، حق دارد از زبانه‌های عدالت جو و حق گوهر اس داشته باشد.

این رژیم همه\* مردم زحمتکش ایران را، چه مذهبی و چه دگر اندیش، دشمن خود می‌داند و دیگر برایش حتی شیعی مذهب بودن به معنای دوست بودن

نیست. عمال مزدور خمینی، با بهره گرفتن از رذیله‌ترین شیوه‌ها، دارند شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" را در جامعه پیاپی می‌کنند.

کشتار خائنانه\* دهها و صدها توده‌ای وفاداری و مجاهد و... اعدام گروه تازه‌ای از روحانیون، دستگیر کردن چندصد روحانی و پاسدار مخالف "ولایت فقیه" و بالاخره ترور جنایتکارانه\* دکتر کاظم سامی نشان می‌دهد که دیگر هیچ ایرانی شرافتمند و میهن دوستی نیست که رژیم خمینی او را دشمن خود محسوب نکند و درصد ناپود کردنش نباشد.

بازتاب بسیار شدید قتل دکتر سامی، در جامعه‌ای که بر اثر کشتار خودسرانه\* صدها تن از زندانیان سیاسی در تبار و تاب است، رژیم را مجبور کرد با تاخیر زیاد با برگزاری مجلس یادبود برای دکتر سامی موافقت کند. مجلس بزرگداشت روز سه‌شنبه\* هفته\* گذشته برگزار شد و در آن جمع کثیری از پزشکان شرکت کردند. حضور گسترده\* اقشار مختلف مردم در این مجلس بزرگداشت را باید نشانه\* مثبتی از رشد همبستگی در میان مردم علیه جنایات بی‌بند و بار رژیم "ولایت فقیه" ارزیابی کرد.

## "اسلام روسی" نام رمز سرکوب مخالفان

دامنه\* سرکوبگری رژیم "ولایت فقیه" به درون حاکمیت رسیده است و بنا به "ضرورت"های روز بر چسب‌های جدیدی به میدان می‌آید و در این راستاست که ری شهری، سر جلااد خمینی، مقوله\* جدیدی به نام "اسلام روسی" کشف می‌کند. او طی سخنرانی خود در مراسم نماز جمعه\* تهران، ضمن بحث درباره\* "اسلام شناسی" می‌گوید:

"هدفی که اسلام روسی بدنبال آن است، نفی اعتقادات مذهبی در پوشش مذهب است... بر خلاف اسلام آمریکایی هدف اسلام روسی ناپودی کامل اعتقادات مذهبی است" (اطلاعات، ۱۳۶۷/۸/۲۱).

و در توضیح شخصیات "اسلام روسی" اضافه می‌کند که به نظر طرفداران این نوع اسلام، بهشت جامعه\* بی‌طبقه و جهنم جامعه\* با طبقه است. ری شهری ضمن بر حذر داشتن مسلمانان از "اسلام آمریکائی" و "اسلام روسی" آنان را به راه "اسلام ناب محمدی" که گویا همان اسلام خمینی است، دعوت می‌کند.

رژیم که بنا به ماهیت ضد خلقی خود از توده‌ها هراسان است به حربه\* سرکوب و ترور متوسل می‌گردد. دستگاه‌های سرکوب رژیم تا کنون برای توجیه جنایات خود در قبال نیروهای انقلابی ضد رژیم از بر چسب‌هایی چون "مناحد"، "باغی"، "جاسوس"، "منافق" و غیره استفاده می‌کردند. اکنون که نوبت به عناصر مخالف در درون حاکمیت رسیده است توسل به بر چسب‌های پیشین مقدور نیست. برای آنان مشکل است تا بتوانند عناصر مذهبی و حتی روحانیونی را که طی سالهای طولانی در حاکمیت شرکت داشتند، به عنوان "منافق" و "مناحد" از میان بردارند. و به همین دلیل است که ری شهری و دیگر جلادان رژیم به تکاپو افتاده و به یکباره به کشف "اسلام روسی" نائل گشته‌اند. در واقع "اسلام روسی" نام رمزی برای سرکوب مخالفین از میان وابستگان به رژیم است. اینکه

ری شهری در توصیف "اسلام روسی" به مشخصه‌هایی چون اعتقاد آن به جامعه\* بی طبقه اشاره می‌کند، بی سبب نیست. سران رژیم که با استفاده از "منافق" زندان و شلاق و اعدام حق انحصاری تفسیر اسلام را به خود تفویض کرده‌اند، می‌خواهند هرنداشی را که از آن بوی عدالت خوami و مخالفت با خاطحاکم به مشام می‌رسد، به عنوان انحراف از اسلام در خون خفه کنند. رویدادهای ماه‌های اخیر، از جمله بازداشت و اعدام گروه کثیری از روحانیون، افراد سپاه و... دور جدیدی در این روند است. روندی که به جنایات و خونریزی‌های با زهم بیشتری خواهد انجامید.

علاوه بر آنچه گفته شد باید به این واقعیت نیز اشاره کرد که چار و چنگال درباره\* "اسلام ناب محمدی" که طی ماه‌های اخیر از سوی خمینی و پیروانش بر اه افتاده است، تلاش عوام فریبانه‌ای بیش نیست و هدف از آن گمراه کردن اذهان عمومی از ماهیت واقعی حاکمیت ضد خلقی "ولایت فقیه" است. حد اقل طبق مشخصاتی که خمینی و پیروانش در چ.ا. طی سالهای اول انقلاب از "اسلام آمریکایی" بدست داده‌اند، این قبا بیش از همه برانزده\* امثال خود آنان است. آنان می‌گفتند که وجه مشخصه\* "اسلام آمریکایی" جانبداری از خانها و سرمایه‌داران بزرگ است. در حالی که اسلام اصیل از "محرومین و مستضعفین" طرفداری می‌کند، و به "عدالت و قسط" برقرار خواهد شد، اما در عمل با خیانت به آرمانهای انقلابی توده‌ها راه خدمت به منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران را در پیش گرفتند و اکنون به عوض عمل به وعده‌های خود،

باز از مردم طلبکارند. خمینی طی پیامی که به تازگی به نخست وزیر ارسال داشت، می‌گوید: "... همه می‌دانند که با توجه به حجم عظیم خر ابیها، نباید انتظار اصلاح و بازسازی سریع امور را داشت... چه بسا افراد مغرض و مخالف با انقلاب... امروز در قالب شعارها و بالا بردن سطح توقعات مردم بخواهند به هدف‌های شوم خود نائل شوند... مگر همه\* مراکز آسیب دیده... را یک روزه می‌توان راه اندازی نمود."

خمینی با سالوسی تمام خلط مبحث می‌کند. تا کنون کسی ادعا نکرده است که می‌توان خرابی‌های ناشی از جنگ را یک شبه از میان برداشت. بحث بر سر این نیست. اعتراض توده‌ها نه به سرعت بازسازی، بلکه به مستکبری اقتصادی و سیاسی حاکمیت است. این مستکبری در جهت منافع اکثریت مردم ایران نیست و این واقعیت را نمی‌توان با مغالطه درباره\* مشکلات بازسازی پرده-پوشی کرد. در حالی که رسیدگی به وضع زحمتکشان به آینده\* دور حواله می‌شود، در همه جادادگاه‌های شرع اراضی مزروعی و کارخانه‌ها را به خان‌ها و سرمایه‌داران بازپس می‌دهند، تجارت داخلی و خارجی به گفته\* نمایندگان مجلس در انحصار عده‌ای محدود از کلان سرمایه‌داران است و شکاف میان اقلیت صاحب مکننت و اکثریت محروم روز بروز بیشتر می‌شود. برای حفظ چنین وضعی طبیعی است که راهی جز دروغ، زندان، شلاق و شکنجه باقی نمی‌ماند. همان حربه‌هایی که خمینی بد آنها دست پایزده است. اختراع حربه\* "اسلام روسی" نیز از جمله\* این حربه‌ها است.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!



شیوه حکومتی خمینی، آدمکشی - عوام فریبی - دروغگوئی - جنگ طلبی

اگر ببایم که خمینی به گردهمایی فرماندهان بسیج سراسر کشور فرستاد، نوشته دیکتاتور واپسگرا، خودسر و خونخوار میهن ما نبوده، می شد آن را بمثابة انشای از مد افتاده یک دانش آموز کهنه پرست نادیده گرفت. اما افسوس که چنین نیست! هر یک از عبارات عوام فریبانه ای که خمینی در نوشته خود بکار می برد، همانطور که تجربه تلخ شش سال ادامه بی بهره جنگ برای صدور "اسلام فقهائی" نشان داد، به بهای خون هزاران نوجوان و جوان فریب خورده تمام می شود که با در دست داشتن کلید پلاستیکی "بهشت"، خود را به آب و آتش می زنند تا مگر سودهای خام خمینی تحقق پذیرد. او در پیام خود می نویسد: "اگر بخوایم مصداق کاملی از اینثار و خلوص و فد اکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم چه کسی سزوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود؟" دیده می شود که سخن از دفع تجاوز دشمن و حفظ تمامیت ارضی میهن در میان نیست. بسیجی باید آماده کشتن و کشته شدن در راه "ذات مقدس حق و اسلام (باشد) ... بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که بیروانش بر گلدسته های رفیع آن اذان شهادت و رشادت سر داده اند".

هنوز چند روز از سر کشیدن "جام زهر" قبول آتش بس نگذشته بود که خمینی از نودر سهای تلخ را بدست فراموشی سپرد. اما بجای اینکه آشکارا بگوید که خودش قصد "صدور اسلام" و به اهتزاز در آوردن پرچم "لا اله الا الله" بر فراز کاخ های "مستکبران" جهان را دارد، به "ملت بزرگوار ایران" "عرض" می کند که "چه در جنگ و چه در صلح، بزرگترین سادۀ اندیشی اینست که تصور کنیم جهانخواران، خصوصاً آمریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست بر داشته اند".

خمینی می نویسد: "در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی موج می زند". در اینکه خمینی بمثابة مبتکر ایران - گیت

**به برنامه های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید!**

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران بانگ رسا و زیان بی بند و آزاد توده های رنجبر میهن ماست. به برنامه های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ پمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۲۸ متر (۱۰۸۷۰ کیلو هرتز)، ۴۹ متر (۶۲۲۰ کیلو هرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلو هرتز) برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می شود. برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

شوروی را با آمریکا هم از می گیرد، آشکارا سفسطه می کند. اما باید گفت واقعیات موجود نشان می دهد که در نهاد خمینی است که براسستی کینه و دشمنی نسبت به انسانها موج می زند. اگر آمریکا با "اسلام فقهائی" یا آنطور که خمینی مدعی است "اسلام ناب محمدی" دشمنی داشت که برایش انجیل امضا شده و نامه های فدایت شوم نمی فرستاد و اسلحه و لوازم یدکی ارسال نمی کرد و خواهان از سر گرفته شدن مناسبات نمی شد.

اگر خمینی واقعا قصد فریب دادن جوانان و دروغگوئی را ندارد باید مستقیماً بگوید که این "اسلام فقهائی" است که همانند امیربالیسم آمریکا دست از سر دیگر کشورها و خلقتا بر نمی دارد و نومیدانه تلاش می ورزد به همه جا جنگ اندازی کند، اگر چه مجبور است برای "ارتش بیست میلیونی"، خود از همان کشورهای "الحادی" اسلحه و مهمات تهیه کند!

البته خمینی آرزوی امپراطوری جهانی اسلام را پنهان نمی کند. او در پیامش علناً می نویسد: "باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان بوجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد". در دو جمله نقل شده پاسخ به این پرسش که کی علیه کی توطئه می کند و بروشنی بچشم می خورد.

از همه وقیحانه تر این جمله "خمینی است که با وجود به کشتن دادن صدها هزار نوجوان و جوان ایرانی در میدان های مین و مردابها، باز هم با بیشرمی تمام می نویسد: "شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود".

ضمناً سه شنبه، هشتم آذر ماه، "بسیج" در سراسر ایران سرگرم انجام مانور "خندق" برای یافتن و نابود کردن دشمنان داخلی بود! اینهم نقش تازه ایست که بعهد "بسیج" گذاشته اند.

با در نظر داشتن همه آنچه که گفته شد این پرسش مطرح میشود که آیا واقعا کشورهای جهان شب و روز مشغول توطئه علیه "اسلام ناب محمدی" هستند و یا اینکه خمینی به بهانه "صدور" اسلام ناب محمدی "در امور داخلی همه کشورهای و خلقهای متعلقه مداخله می کند و دست از سر عرب و عجم بر نمی دارد؟

آیا در شرایط کنونی جهان، مردم ایران می توانند باز هم تحمل کنند که شخصی با چنین افکار مالیخولیائی و مغشوش، همچنان سکان سر نوشت کشور را در دستهای علیل و ناتوان خود داشته باشد؟



**گمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است**

حساب بانکی ما:

Sweden, Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
NO: 040012650  
Dr. John Takman

چند سروده از فرزندی یکی از شهدای اخیر

سرابنده \* اشعار زیر یکی از فرزندان رفقای سرافراز و به خون خفته \* اخیر خلق است که آنها را در سن دوازده سالگی سروده است. سرچشمه های زلال این سروده ها را باید در جوش پاکترین عواطف و احساسات و نیز در تمناها و آرمانهای انسانی فرزند یک زندانی دیرروز و شهید امروز حزب، جستجو کرد.

بابا

آخر بابا کجائی

آخر چرا نیائی

دل می خواهد بکشم

هر که ترا اسیر کرد

دل می خواهد

یک بار دیکه

سر روشت بذارم

برام قصه بگوئی

از اون دورا بگوئی

از ظلم و ستم

از درد ورنج

بابا جون زودتر بیا

ببای پیش من

بابای خوب من

مرگ در راه سپیده

مرگ و مرگ و باز هم مرگ

می کشند بدون بهانه

می کشند هر وقت که خواستند

نمی گویند آبمی خواهی بمیری

آبمی خواهی در سیاهی بمیری

نه، هیچ نمی گویند و هیچ نمی گویند

اگر می میریم ما

در راه سپیدی می میریم ما

نه در راه ظلم و ستم

نه از برای اندوختن مال

ما برای خلق می میریم،

و برای کارگر زحمتکش

و دهقان ناتوان می میریم

نه برای شاهان و امثال آنان

پدرم

دوست می دارم پدرم را

دوست می دارم راه پدرم را

زیرا راه او برای مردم است

زیرا فکر او از آن مردم است

آیا مردم نمی دانند

پدرم برای آنها خود را به رنج می اندازد

در قلب خود صدائی می شنوم

که می گوید:

بابا راه تو و امثال تو جاودان

است

ما شیم پیروان راه حق،

راه تو.



## مبارزه دانشجویی

### زیرچتر سر نیزه و خفقان

۱۶ آذر، روز دانشجویان، یادمان روزی که مزدوران شاه خیابانهای دانشگاه تهران را از خون دانشجویان پیشتاز و مبارز رنگین ساختند. در مهین ماه مبارزه دانشجویی سنتی است. در پیرا، در بیش از چهار دهه اخیر، همواره دانشجویان پیشرو در راه آزادی، استقلال، پیشرفت اجتماعی و حقوق زحمتکشان رزمیده اند. در این راستا دانشجویان به هم خود توانسته اند که با توجه به شرایط زمان و مکان راههای رودر روشی با رژیمهای ضد خلقی را بنیابند و با کزینش شیوههای مناسب مبارزه ضربات سختی به دشمن وارد سازند. هر چند که در این رزم نابرابر خون زیادی نیز از پیکر دانشجویان رفته است.

از ۱۶ آذر ۱۳۲۲، در ادامه راه مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی (از اعضا سازمان جوانان حزب توده ایران) و احمد قندچی (از هواداران جبهه ملی)، بسیاری از گلایه سرسید جنبش دانشجویی کشور به زیر داغ و درفش رفته اند. و چه بسا که جان بر سر آسمانهای خود نهاده اند. با نثرشی کوتاه به رویدادهای گوناگون محیط دانشجویی پس از پیروزی انقلاب بهمین ۵۷ تا کنون، می بینیم که بخصوص در سالهای اخیر دانشجویان نسبت به چهار دهه گذشته قربانیان بیشتری داده اند.

در سال ۱۳۵۹، هنگامی که شور انقلابی هنوز در اوج خود بود، رژیم ج.ا. برای سرکوب جنبش دانشجویی کشورهای دانشگاهها را بست و زیر پوشش "انقلاب فرهنگی" با هدف تار و مار ساختن دانشجویان مبارز انقلابی، که اکثریتشان را نیروهای چپ تشکیل می دادند، دست به تصفیه خونین آنان زد. هزاران تن از دانشجویان با دیدگاهها و وابستگیهای سازمانی گوناگون زندانی شدند، از آنان چه بسیار که زیر شکنجه کشته شدند، چه بسیار که در برابر جوخه های تیرباران قرار گرفتند و چه بسیار که هنوز در سلولهای تاریک بسر می برند. اما علیرغم ددمنشی های رژیم، جنبش دانشجویی خاموش نشده است و امروزه از درون آن شعله های تازه ای سر بر می کشد و چهره های جدیدی سر بر می دارند تا با تکیه بر تجربه های غنی دانشجویان مبارزه پیکار صنفی - سیاسی خود را پی بگیرند. با آن که رژیم با تمام توان خود می کوشد مبارزه دانشجویی را سرکوب و یا به سمت دلخواه خود منحرف سازد، محیط دانشجویی، اگر چه زیر چتر سر نیزه و خفقان، به تکاپوی خود بیش از پیش ادامه می دهد. در سالهای اخیر اغلب مراکز آموزش عالی کشور به علت ادامه جنگ به حال تعطیل یا نیمه تعطیل در آمده بود، اکثر دانشجویان، از جمله با هدف رفق "خطر" از جانب آنان، به جبهه اعزام می شدند، اما امسال، با آن که رژیم هنوز می کوشد تا به شیوه گلاشته عمل کند، در کار خود موفق نمی شود. در کلاسهای دانشجویی از نیمکت های خالی چندان خبری نیست. علاوه بر آن، امسال بر اساس آمار و ارقامی که رژیم ارائه می دهد، حدود ۶۰ هزار

## ۲۱ آذر، روز قیام آذربایجان

۲۱ آذر ۱۳۲۴، قیام باشکوه و قهرمانانه مردم آذربایجان که برای دستیابی به خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران پیکار می کردند، با اعلام تشکیل حکومت ملی آذربایجان به پیروزی رسید. نهضت ۲۱ آذر نقطه عطفی در جنبش رهایی بخش ملی، در سرزمین قهرمان پرور آذربایجان، زادگاه ستارخان و باقرخان، شیخ محمد خیابانی، حیدر عمواغلی، دکتر ارانی و قهرمانان و انقلابیون نامداری از این دست بود.

حکومت ملی آذربایجان در دوره کوتاه حیات خود به یک سلسله اقدامات مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست زد که بیانگر سرشت مردمی و ماهیت مترقی آن بود. مصادره املاک بزرگ مالکان و تقسیم بلاعوض آن بین دهقانان زحمتکش، تاسیس "بانک فلاحت" و "شرکت ماشینهای آبیاری" برای ارائه خدمات و کمکهای کشاورزی به کشاورزان تهیدست، اقدامات قاطع و سریع برای حل معضل بیکاری، پی ریزی شبکه بهداشت عمومی، اتخاذ تدابیر اساسی در زمینه احیا و رشد فرهنگ ملی از طریق تدریس و تحصیل به زبان مادری در موسسات آموزشی، احداث "چاپخانه" معارف، "چاپخانه" آذربایجان، تشکیل "اداره هنرهای زیبا"، "تئاتر دولتی"، "ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان"، و "جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان" از جمله این اقدامات بودند.

پیروزی پیکار رهایی بخش ملی در آذربایجان و به دنبال آن در کردستان (بهمین ۱۳۲۴) که با تشدید نبرد زحمتکش سراسر ایران علیه استبداد و استعمار همراه بود ریشه بر اندام ارتجاع داخلی و خارجی انداخت و امپریالیستهای درنده خو، که یکی از مهم ترین پایگاههای استیلای سیاسی و غارت اقتصادی خود در جهان را در معرض تهدید می دیدند

اما هیچ نیروی ارتجاعی قادر به فرو نشاندن شعله جنبش رهایی بخش ملی در ایران نیست. زحمتکش و نیروهای مترقی آذربایجان و کردستان همراه با سایر خلقها و زحمتکشان ایران به نبرد علیه استبداد و در راه دستیابی به حقوق خود ادامه خواهند داد. حزب توده ایران خاطره پاک و الهام بخش شهدای قهرمان نهضت ۲۱ آذر را گرامی می دارد و بار دیگر بر عزم راسخ خود برای ادامه راه خونین آنها تاکید می ورزد.

دانشجوی جدید راهی کلاسها می شوند و این خون تازه ای است در پیکر دانشگاهها.

مبارزه دانشجویی عرصه های گوناگون صنفی - سیاسی را در بر می گیرد. در دوره کنونی، یکی از وجوه عمده مبارزه دانشجویان برخورد با تاریک اندیشی و ریشه کن ساختن اندیشه "پیوند حوزه و دانشگاه" است. در درون دانشگاه، دانشجویان رویارو با نهادهایی هستند که وابسته به رژیم اند و با چنگ و دندان می خواهند موقعیت خود را حفظ کنند، ولی مورد پشتیبانی اکثریت دانشجویان نیستند.

انگن دانشجویان پیشرو انقلابی با تمام توان می کوشند که هسته های مخفی مبارزه دانشجویی را با هدف آزادی، تضمین صلح و ایجاد دگرگونیهای بنیادی در جامعه، سازمان دهند. در این راه هواداران حزب توده ایران نیز تلاش پیکار خود را دنبال می کنند. این مبارزه هدفمند زمانی می تواند ثمر بخش تر باشد که چون رودی به دریای مبارزه توده ها بپیوندد و از آن هستی بگیرد.

آشکار است که رژیم نیز به راحتی میدان را

برای دانشجویان انقلابی و مترقی خالی نمی گذارد و پیوسته درصدد شکار آنان است. در این راستا، از چشم و گوشهای رژیم در دانشکده های گوناگون گرفته تا نیروهای مسلح، نیروی سیاه و کمیته هادست بکارند و دائماً در پی ردیابی هسته های مبارز دانشجویی هستند. هسته های دانشجویی باید با رعایت همه اصول کار مخفی و در آمیزی مبارزه مخفی و علنی از سویی دتور تعقیب و مرافبت رژیم قرار نگیرند و از سوی دیگر بکوشند که به مبارزه دانشجویی شکل سازمان یافته و هدفمند بدهند. این کاری است دشوار، اما دانشجویان آگاه و مبارز از پس آن بر خواهند آمد.

بار دیگر ۱۶ آذر، روز دانشجو را گرامی می داریم.



# درود بر زندانیان توده ای و دیگر مبارزان انقلابی دربند!



### اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه خواستار قطع اعدام‌ها شد

مفتاد و سومین کنگره اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه در اواسط ماه نوامبر ۸۸ در حومه پاریس برگزار شد. در این کنگره بیش از ۲۰۰ نماینده از دانشگاه‌های سراسر فرانسه و همچنین نمایندگان از کشورهای شیلی، عراق، ایران، نماینده کره شمالی و نماینده کنگره ملی آفریقا، نماینده دانشجویان ماداکاسکار، لهستان و اتحادیه جهانی دانشجویان، نماینده جنبش جبهه رهایی بخش ملی خلق کانادا (از کالودنی نو) شرکت داشتند.

تحولات اجتماعی فرانسه و تاثیر آنها در زندگی دانشجویان فرانسوی موضوع اصلی بحث کنگره بود. دانشجویان شعار اصلی اختصاص بودجه نظامی به امکانات تحصیلی را مطرح می‌کردند و شواهدی از سختی زندگی دانشجویی در فرانسه از جمله در زمینه خوابگاه، بورس تحصیلی، استاد و کلاس کافی از اکثر نقاط فرانسه مطرح شد. در بخش همبستگی بین المللی، همبستگی با خلق آفریقای جنوبی، فلسطین، شیلی و الجزایر برجسته‌تر بود. در کمیسیون ویژه همبستگی بین المللی که نمایندگان "ادیس" نیز شرکت داشتند، مسئله اعدام‌های اخیر در ایران و اعدام رفیق کیومرث زرنشاس، دبیر اول سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات مطرح شد. همه اعضا کمیسیون اعدام‌های اخیر را محکوم کردند و برای جلوگیری از اعدام‌های دیگر پیشنهاد

شد که اعتراض نامه‌ای تهیه شود و در تمام دانشگاه‌های فرانسه از طرف اتحادیه ملی دانشجویان این کشور به امضا رسد و در آن ضمن محکوم کردن اعدام‌ها و خواست جلوگیری از اعدام‌های تازه، رهائی همه زندانیان و اعزام هیئتی به ایران جهت بازدید از زندان‌ها خواسته شود که امضاهای جمع‌آوری شده به همراه نامه‌ای از اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه به وزیر امور خارجه این کشور تسلیم و درخواست گردد تا مسئله نقض حقوق بشر در ایران در دیدارهای مقامات فرانسه و ایران مطرح گردد.

در کنگره قطعنامه‌ای به امضا همه نمایندگان رسید که در آن اعدام‌های اخیر در ایران که از فردای اعلام آتش‌بس آغاز شد خصوصاً اعدام رفیق زرنشاس محکوم گردید و بیش از ۲۰۰ نماینده شرکت کننده تقاضای قطع اعدام‌ها در ایران و رهائی زندانیان سیاسی را کردند و همبستگی خود را با جوانان و دانشجویان ایران ابراز داشتند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نیز طی پیامی همبستگی خود را با مبارزات دانشجویان فرانسه ابراز داشت و به توضیح شرایط ایران و خفقان حاکم بر ایران پرداخت. در پیام همچنین آمده است: "نباید گذاشت رژیم جمهوری اسلامی جنگ خونین را به صلح خونین در ایران تبدیل کند".

### گوشه‌ای از کارزار بین المللی حزب در اعتراض به کشتار جمعی

حزب توده ایران پس از دریافت نخستین خبرها درباره کشتار جمعی رهبران و فعالان حزب بدست دژخیمان خمینی، به‌درونگ کارزار گسترده دیگری را در زمینه بین المللی برای افشای این جنایت بزرگ آغاز کرد.

حزب توده ایران در بیانیه‌ای مطبوعاتی به تاریخ ۲۸ نوامبر لیستی مرکب از نزدیک به ۲۵ تن از رفقای توده‌ای را، که طبق آخرین اطلاعات حزب قربانی شیوه‌های فاشیستی رژیم تهران شدند، در اختیار همه خبرگزاری‌های بزرگ جهان گذاشت. چند ساعتی بعد متن این اطلاعیه در رسانه‌های گروهی سراسر جهان انعکاس یافت.

از طرف حزب توده ایران همچنین نامه‌هایی به شخصیت‌های برجسته و ارکانهای بین المللی از جمله به دبیر کل سازمان ملل متحد، "عفو بین المللی"، "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل"، "سازمان بین المللی روزنامه‌نگاران"، "فدراسیون سندیکایی جهانی"، "شورای جهانی صلح"، "اتحادیه بین المللی دانشجویان"، "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" و "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات" ارسال گشت.

حزب از همه احزاب برادر و سازمانهای دوست خواهان اعتراض به کشتار وحشیانه زندانیان توده‌ای و کمک به نجات دیگر زندانیان در بند شد.

کوشش‌های افشاکرانه حزب توده ایران در زمینه بین المللی همچنان ادامه دارد.

### سومین اجلاس کمیته بین المللی تدارک فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

#### دانشجویان

ما خیلی غم‌انگیز است که در اینجا اعلام کنیم که همین چندی پیش رژیم جنایتکار کیومرث زرنشاس مسئول هیئت ایرانی شرکت‌کننده در یازدهمین فستیوال جهانی - کوپا - را به جوخه اعدام سپرد ... درباره کمیته ایرانی تدارک فستیوال که از ماه مه ۱۹۸۸ تشکیل گردیده است، تلاش ما همیشه این بوده و خواهد بود که کمیته وسیعی از همه نیروهای پایبند به اهداف فستیوال ایجاد کنیم. باید صادقانه در اینجا اعلام کنیم که در این زمینه با دشواری‌های زیادی مواجه بوده ایم ولی امیدواریم که تلاش‌های مختلف از جانب نیروهای گوناگون به نتیجه برسد ...

نماینده کمیته ایرانی تدارک فستیوال پیشنهادهایی درباره اختصاص دادن یک مرکز مخصوص به منطقه آسیا و اقیانوس آرام و اختصاص یک مرکز مخصوص به "حقوق دانشجویان و حقوق بشر" ارائه داد که با تایید کمیته بین المللی روبرو گردید و در سند نهایی گنجانده شد.

سومین اجلاس "کمیته بین المللی تدارک سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان" در تاریخ ۲۷ - ۳۳ نوامبر در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، با شرکت ۱۷ کمیته تدارک، سازمان‌های مختلف دانشجویی و جوانان و سازمان‌های بین المللی از ۵۶ کشور جهان برگزار گردید.

در این گردهمایی نماینده "کمیته ایرانی تدارک فستیوال" به صورت فعال شرکت داشت. وی طی سخنرانی خود در جلسه عمومی اجلاس از جمله اظهار داشت:

"تدارک برای سیزدهمین فستیوال جهانی در کشور ما با دشواری‌های بسیاری روبروست. ما از کشوری می‌آئیم که توسط جنگ فاجعه‌باری نابود گردیده، تمامی سازمان‌های صنفی - سیاسی جوانان و دانشجویان منحل شده‌اند، میلیون‌ها جوان بناچار به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و رژیم اولیه‌ترین حقوق انسانی شهروندان خود را زیر پا می‌گذارد. برای



### کمک‌های مالی رسیده:

همایون ۲۰۰ کرون  
م از برلین غربی ۲۰ مارک  
هوادران حزب در برلین غربی ۵۵۰ مارک

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است!

**NAMEH MARDOM** NO:236 6 December 1988

نشانی‌های ۱-  
پستی ۲-  
Addresses: 1. P.B.49034 10028 Stockholm 49 Sweden  
2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

